



۲۰۲۰/۰۷/۱۶



حامد نوید

قلعه فتح و سرگذشت تاریخی آن در ولایت نیمروز

در میان بناهای کهن حوزه تمدنی هیلمند و سیستان در جنوب غرب افغانستان یکی از بناهای بسیار با عظمت و شکوهمند، قلعه فتح در ولایت نیمروز است که درین بررسی به شرح آن میپردازیم.

نگاهی به سوابق تاریخی:

طوریکه در بحث های گذشته ذکر یافت شهر تاریخی زرنج چهار دروازه شکوهمند داشت؛ «دروازه طعام» که بجانب مزارع سرسبز هیلمند ره میگشود، «دروازه فارس» که بسوی غرب باز میشد و قرار معلوم متشکل از دو درب «نو» و «کهنه» بود، «دروازه کرکویه» که شاهراه بازرگانی آن بسمت شمال امتداد داشت و پس از عبور از معبد معروف کرکویه به هرات وصل میشد، و «دروازه نیشک» که جاده تجاری آن بسوی کندهار میرفت. آل صفار توجه زیادی به عمارات و تقویة اصالت های فرهنگی سرزمین خویش داشتند. چنانچه به امر یعقوب کاخ شکوهمندی که در آن محوطه رهاپشی نیز وجود داشت در شهر باستانی زرنج اعمار گردید. این قصر با عظمت که از صلابت خاصی بر خوردار بود در فاصله میان دو دروازه شهر یعنی «دروازه طعام» و «دروازه فارس» بنا یافته بود. رواق رفیع و طاقهای تزئینی این قصر بزرگ در اوج دیوار های مرتفع آن صلابت سبک معماری سده های هشتم و نهم میلادی را در سرزمین باستانی افغانستان نشان میدهد. در تاریخ سیستان آمده که عمرو لیث نیز به تاسی از برادر کاخی را در فاصله میان دروازه طعام و فارس بنا کرد و تعمیر بسیار بزرگ دیگری را که خزانه دولتی در آن نگهداری میشد در محوطه میان دروازه کرکویه و نیشک اعمار نمود. این بنای عظیم مظهر قدرت سیاسی و اقتصادی شهر زرنج یا زرنج در زمان زمامداری عمرو لیث بحساب میرفت. یعقوب لیث و برادرش عمرو لیث مانند طاهر پوشنجی، پس از آنکه وحدت خراسان را تکمیل نمودند کاخ های رهاپشی بزرگی را که در آن حرم سراهای نیز وجود داشت در بلخ، گوزگانان (جوزجان) و هری بنا کردند. از نگاه صنعت معماری خصوصیات سبکی را که در عهد زمامداری طاهریان و صفاریان در غرب افغانستان شکل گرفت، میتوان در شیوه ساختمان رواقهای متشکل از دوقوس متقاطع در ورودگاه عمارات، ایوانهای دخیلی که به سرا ها و سراچه ها منتهی میشد، ایوانهای مسدود برای تزئین دیوارها، ایجاد طاقهای بلند و طاقچه های تزئینی در داخل دالانها و تالارها مشاهده کرد. بهرحال از آنجاییکه حوادث روزگار همواره در گذراست، دولت نیرومند صفاریان نیز پس از مرگ عمرو لیث در اواخر سده سوم هجری رویه زوال نهاد اما اخلاف این سلسله تا عهد غزنویان و حتی دوره سلاطین سلجوقی در سیستان، فراه، هیلمند و کندهار در میان مردم عزت و اعتباری داشتند و به اعمار بنا های پرداختند که از آن جمله از میتوان از باغی که طاهر جانشین عمرو در ثبت درکنار رود هیلمند بنا کرد یاد نمود. درین باغ قصری بود که ۹ گنبد داشت و به «قصر بوالحسنی» معروف بود. همچنان بنا به یادداشت های ملک شاه حسین سجستانی مؤلف کتاب احیاء الملوک، طاهر بن محمد از دودمان صفاریان قصر بزرگ و مجلی را بنام «سرای طاهری» در محوطه ارگ سیستان بنا کرد که از زیبایی و تزئینات خاصی برخوردار بود. لیکن با وصف توجه فراوان آل صفار به عمارات، از بررسی اسناد تاریخی چنین برمی آید که قلعه فتح در سنوات بعدی بنا یافته است.

قلعه فتح ساحة وسیعی را دربر میگردد و با ۹۴ برج دفاعی به ارتفاع ده متر و بیشتر از آن و با دوقطار دیوار های دفاعی محافظت میگردد. این قلعه عظیم در ۳۷ کیلومتری ولسوالی چاربرجک و ۶۰ کیلومتری جنوب شهر زرنج موقعیت دارد و یکی از بزرگترین بنا های سیستان میباشد. قلعه فتح در وادی حاصل خیز فتح در جوار رود هیلمند در سرایشی «دشت خوابگاه» اعمار شده است. چنانچه اسناد از تاریخی پیداست تیمور گورگانی به دنباله جهان گشایی هایش سیستان را در آغاز سده پانزدهم میلادی گشود و پس از ویرانگریها و بیدادی که در آنجا کرد، دارالحکومه سیستان در محوطه فتح به امر او بنا شد. لیکن از قراین چنین پیداست که عمارات عصر تیموری در جای آباد شده که قبلاً در آنجا بنا های باستانی تری موجود بوده است. اینکه تهداب نخستین قلعه باستانی فتح در چه عصری گذارده شده و آیا در دوره آل طاهر و صفاریان مورد استفاده نظامی بوده یا خیر؟ موضوعیست که باید بیشتر مطالعه شود. نظر به چشم دید منهای السراج مورخ دوره غوریان و مشاهدات اواز زرنج در بین سالهای ۶۰۳ تا ۶۱۳ هجری قمری، در نزدیکی دروازه طعام درجایی بنام ریگ گنجان کاخ ویرانه بوده که یعقوب لیث از آنجا به «فتح» شهر زرنج و بنیانگذاری پادشاهی اش اقدام نموده است. اینکه آیا آن کاخ قدیمی همین قلعه فتح کنونی بوده یا خیر؟ باز هم سند دقیقی در دست نیست. لیکن در «احیاء الملوک تألیف ملک شاه حسین سجستانی چنین آمده:

"قلعه فتح که در قدیم برزیر تلی ساخته بودند و به «قلعه سپاهان» مشهور بود ملك الملوك ملك سلطان محمود کیانی به مولانا محمدی کدخدای سرابان رجوع کرد و شاه جلال خواهرزاده خود را نیز بر آن گماشت تا آن قلعه را ساختند".

احیاء الملوک کتابیست خواندی که تاریخ سیستان را از اعصار کهن تا سال ۱۰۲۸ شرح میدارد. متن این کتاب معلومات جالبی را در مورد دانشمندان، روحانیون، سلسله های شاهی، رسوم و عجایب سیستان در اختیار خواننده قرار میدهد که توسط ملک شاه حسین سجستانی، از شاهزادگان و امیران سیستان در سده شانزدهم میلادی تألیف گردیده است.

از این یادداشت چنین برمی آید که تیمور گورگانی پس از فتح سیستان اجازه عمران دوباره قلعه فتح مشهور به قلعه سپاهان را به ملک سلطان محمود کیانی از بزرگان زرنج تفویض کرده است. چون کیانیان سیستان دودمان مقتدری بودند و در میان مردم شهرت

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

واعتباری داشتند. بخصوص از عهد یعقوب لیث صفار به بعد صاحب اقتدار بیشتری در وادی هیلمند، سیستان و بلوچستان گردیدند. بدیهیست که هرجاهنگشایی برای بقای خود به جلب دوستی چنین مردمان متنفعی ضرورت دارد. احتمالاً ملک قطب الدین محمد پسر رکن الدین محمود، چهارمین شاه از سلسله ملوک مهربانی که در سخاوت و دلیری شهرت فراوانی بود این نام را به این دژ قدیمی و تسخیر نا پذیر داده است. قلعه فتح برای قرن‌ها پایگاه اقتدار امرای کیانی سیستان بود که نصب خود را به کی گشتاسپ فرمانروای عهد اوستایی بلخ نسبت میدادند. وابستگان شان در نیمروز بنام «ملوک نصری» و «ملوک مهربانی» مورد حرمت فراوان بودند. «ملوک نصری» با حملات چنگیز از قدرت برافتیدند ولی «ملوک مهربانی» تا سده هفدهم در برابر دولت صفوی فارس برای استقلال خویش در حال نبرد بودند و قلعه فتح مقر فرمانروایی شان بود. این فرمانروایان مقتدر همراه با محمود هوتکی در برانداختن صفویان نقش مهمی داشتند و تاسده هژدهم نواحی فرا تر از مشهد را که بخش از قلمرو شان بود اداره میکردند. تا اینکه در سال ۱۰۲۸ با حملات نادرقلی بیگ مشهور به نادر افشار از قدرت برافتیدند، ولی با رویکار آمدن دولت مستقل افغانستان تحت قیادت احمدشاه درانی در سال ۱۷۴۷ میلادی فرمانروایان کیانی سیستان با اشتراک در لویه جرگه تاریخی شیرسرخ قندهار و پشتیانی از دولت ابدالی دوباره در صحنه قدرت سیاسی افغانستان حضور یافتند. احمدشاه درانی بدختر یکی از بزرگان این دومان بنام سلیمان خان کیانی ازدواج نمود و در سالهای بعد شهزاده کامران فرزند شاه محمود درانی با دختر بهرام خان کیانی ازدواج کرد. قلعه فتح تا دیر زمانی مقر فرماندهی ملوک مهربانی بود، ولی به تدریج در نتیجه کشمکش های سرحدی میان دولت قاجاری فارس و افغانستان در سده نهم و متعاقب آن تعیین خط سرحدی میان افغانستان و ایران به حکمیت برتانیای نوذ این دودمان قدیمی در اثر ناملایمات روزگار به تدریج کم رنگ شد.

درینجا نگاه مختصری به سابقه موضوع می اندازیم:

در سال ۱۸۷۲ در زمان پادشاهی امیرشیرعلی خان، وقتی به تقاضای ناصرالدین شاه قاجار هیئت حکمیت برتانیه به سرکردگی جنرال فریدریک جان گولد سمید Major-General Frederic John Goldsmid بخرض رفع منازعات بالای آب هیلمند به غدیر سیستان آمدند قلعه فتح در نتیجه جنگها صدمات شدیدی برداشته بود لیکن قرار یاداشتهای انگلیسها هنوز مرمانی در آنجا زندگی میکردند. کپتان سمت، یکی از اعضای این هیئت فاصله ویرانه های قلعه فتح را در ساحل راست رود هیلمند تا بند کهک در حدود ۲۰ مایل یعنی ۳۲ کیلومتر تعیین کرد. سپس در زمان پادشاهی امیر عبدالرحمن خان هنگامیکه خط سرحدی میان افغانستان، دولت قاجاری فارس و مستملکات غربی هند برتانیوی تعیین میشد جورج پاسمن تیت George Passman Tate معاون سروی سرحدات غربی هند برتانیوی و عضو انجمن شاهی مطالعات جغرافیایی انگلستان در سالهای ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ به فراه، هیلمند و نیمروز سفر کرد. تیت مؤلف کتاب «سرحد بلوچستان»، قلعه فتح را مربوط عصر تیموریان هرات یعنی قرن پانزدهم نگاشته است، اما از آنجاییکه درین بنای تاریخی سبک معماری ادوار پیشین به وضاحت مشهود است، نمیتوان صرف بالای نظریه تیت که یک باستانشناس حرفوی نبود اتکا کرد. هر چند کتابی در مورد تاریخ افغانستان و سفرهایش به بلوچستان و سیستان نگاشته است. تیت در سالهای بعدی با کولنل مکماهون Colonel McMahon در تعیین خط سرحدی میان افغانستان، فارس و سرحد بلوچستان نیز همکاری بود. او در کتابش که در سال ۱۹۰۹ در لندن بچاپ رسید تاریخ اعمار قلعه فتح را سال ۱۴۲۷ میلادی مطابق ۸۲۷ هجری قمری تخمین کرده است. ممکن است دریافت وی برای تعیین قدامت قلعه باعظمت فتح بالای "شجره الملوک" تاریخ منظوم سیستان استوار باشد. "شجره الملوک" یا تاریخ منظوم سیستان که از اعصار پار تا عهد فرمانروایی ملک بهرام کیانی را در بر میگیرد، در دوره حکومت قاجاری سروده شده. با آنکه میتوان برخی مسایل تاریخی را از مطالعه این متن منظوم استنباط کرد؛ اما این اثر در دوره حکومت قاجاری فارس در گذشته نه چندان دوری به نظم درآورده شده و از نگاه تاریخی مانند تاریخ حبیب السیر اثر خواند میرو ظفرنامه تیموری نوشته شرف الدین علی یزدی، سند بسیار معتبری بشمار نمیروند و نباید آنرا با احیاء الملوک که کتاب قدیمی تر و مطمئن تری در مورد تاریخ سیستان است به اشتباه گرفت.

بهر حال وقتی تیت از نزدیک دیوارهای قطور این بنا را مشاهده میکرد از روی هنگافها و برجسته کاری هایکه بر سطح دیوارها بجا مانده به این نتیجه رسید که نباید از عمر آن قرنهای زیادی گذشته باشد. زیرا لایه های ظریف گل نمیتواند برای مدت مدیدی در شرایط اقلیمی نیمروز مقاومت کند. لیکن این امکان رانیز باید در نظر گرفت که این برجسته کاریها میتواند در سنوات بعدی بر دیوارهای کهن قلعه فتح اضافه گردیده باشد. زیرا طوریکه از عکسبرداری های تیت پیداست فرو رفتگی های فرسوده بشکل ایوانهای مسدود بسیار قدیمی تر از طرحهای برجسته بر این دیوار کهن معلوم میشود. تیت در هنگام مشاهده دیوارهای قطور حصار به خشت های پخته (۱۱ انچ در ۱۱ انچ) برخورد که در بخشهای مختلفی در پائین دیوارها بشکل کمانی بکاررفته است. با آنکه تیت این ساختمانهای خشتکاری شده را مربوط به دوره های بعدی میدانند، اما تحقیقات باستانشناسی در پرتو علم زمینشناسی میتواند قدامت بخشهای مختلف این بنا را تثبیت نماید. از جانب دیگر ایجاد کمانها یا قوسهای ساختمانی (Vousoir) (در عمارات قرون وسطی اروپا و ممالک شرقی یا بمنظور توازن بخشیدن دیوارها و یا برای ساختن ساختمان های زیرین یعنی زیر زمینی ها استفاده میگردد. در حالیکه میدانیم ضخامت دیوارها در بخشهای پائینی به شش فت و قسمتهای بالایی به یک فت میرسد باید مطالعه گردد که در زیر این روایات خشتی آیا زیرزمینی هایی وجود دارد، و یا اینکه این ساختمانها صرف بمقصد استحکام بخشیدن بیشتر دیوارها اعمار گردیده است؟

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلینکی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

بخشهای قلعه فتح:

قلعه عظیم فتح مانند اکثر عمارات تاریخی ادوار اسلامی افغانستان متشکل از سه بخش بالاحصار یا ارگ، شهرستان یعنی ساحه داخل حصار و «ربض» یا بیرون شهر است. بدورادور قلعه فتح دیوارهای خارجی کشیده شده که زمانی ۹۴ برج حفاظتی داشت و در حدود سه میل (تقریباً پنج کیلومتر) را در بر میگیرد.

ارگ یا بالاحصار:

ارگ قلعه فتح در بالای پشته کم ارتفاعی از خشت بنا شده و تعداد برجهای آن نسبت به حصار بیرونی کمتر است. این بنای شکوهمند که ارتفاع دیوارهای آن به ۲۲ متر بالغ میگردد کرسی فرماندهی سیستان در قرن نهم هجری بود و از آنجا بر علاوه نیمروز، هیلمند، غور و فراه؛ نواحی زاهدان، خاش، پهره تا چابهار و کنارک در داخل خاک ایران امروزی توسط ملک معزالدین حسین از شهزادگان غور اداره میشد و بسوی شمال تا مشهد و ماورای آن تحت فرمان شان بود.

معزالدین حسین از بازماندگان سلطان غیاث الدین آل کرت از امرای غور بود که قبل از سلسله تیموریان بر تمام ساحه امروز افغانستان تا اقصای آمو قرار یادداشت سیف هروی مؤلف «تاریخ هرات» حکمروایی داشتند و هرات مرکز فرماندهی این قلمرو وسیع بود. چنانچه مرحوم محمد صدیق فرهنگ مؤرخ معاصر افغانستان به استناد سیف هروی مینگارد: «اولجایتو خطه هرات را تا اقصای افغانستان و رود آمو به سلطان غیاث الدین کرت تفویض کرد».

درینجا برای نخستین بار کلمه «افغانستان» منحصراً یک کشور در متون تاریخی قرون وسطی، یعنی حد اقل هفت قرن پیش ذکر یافته است؛ ازینرو برای روشن شدن موضوع باید نگاهی مختصری به وقایع تاریخی این عصر، وجهانی که پس از مرگ چنگیز و جهانگشایش بجا ماند بیاندازیم:

تموچین چنگیز مردی که از صحرای گوبی مغلستان برخاست و فتوحاتش در تاریخ کم نظیر است در سال ۱۲۲۲ میلادی به افغانستان حمله کرد و پس از کشورگشاییهای متواتر در سال ۱۲۲۷ میلادی چشم از جهان بست. پس از مرگش اداره قلمرو وسیعش که خطه عظیمی از قاره آسیا و نواحی شرقی اروپا را در بر میگرفت میان پسران و نوادگانش تقسیم شد. هلاکو نواده چنگیز سلسله ایل خانیان یا ایلک خانان را در سال ۱۲۵۶ در فارس نصب کرد که برای ۷۹ سال در ایران امروزی حکمروایی داشتند، اما آنجاییکه در سراسر افغانستان هنوز مقاومت های مسلحانه موجود بود و اداره آن مشکل مینمود. منگو خان نواده دیگر چنگیز در سال ۱۲۴۵ با ملک شمس الدین محمد بن ابی بکر کرت، از بازماندگان سلاطین غور مصالحه کرد و سپس الجایتو که از طایفه ایل خانان تازه به دین اسلام رو آورده بود و خود را خدا بنده میخواند، با غیاث الدین آل کرت به مذاکره نشست. الجایتو حکومت او را از هرات تا به آمو بنام سرزمین فغانستان برسمیت شناخت. در آغاز قرن چهاردهم میلادی امیر تیمور کورگانی این سلسله را از قدرت بر انداخت، لیکن پسرش شاهرخ میرزا شاه مقتدر و مدبر سلسله تیموریان هرات، با بازماندگان آنها از در صلح پیش آمد و حرمت شانرا بجا داشت. ازینجهت این بخش قلعه فتح و ارگ با شکوه آن بفرمان و سلیقه ملک حسین از بازماندگان سلاطین کرت اعمار گردیده است. محوطه ارگ به دو بخش تقسیم شده بود و هر یک کاخی داشت که بنام کاخ های غربی و کاخ شرقی یاد میشدند. یکی محل رهایش و نشیمنگاه ملک بود و دیگری به دستیاران و ملازمانش تعلق داشت. در داخل قصر اتاقهای فراوان، دالانهای سرپوشیده و دهلیزهای پیچ در پیچی هنوز وجود دارد که نشیمنگاه ملک را به کاخ مسخندمین، نظام فراول ها و برجهای دفاعی وصل میکنند. در داخل قلعه برج ترسده نیز بنا یافته بود که در هنگام جنگ دیده بانان از فراز آن قلعه را حراست میکردند و بدیهیست که از آن مناره رفیع منظره کامل اطراف دیده میشد.

هرچند این بنا در عهد تیموریان اعمار گردیده اما شیوه ساختمانی آن به سبک معماری دوره صفاریان شباهت بیشتر دارد. تیت، عضو هیات حکمیت ماکماهون (۱۹۰۵-۱۹۰۳) بر موضوع تقسیم سیستان) در مورد استحکامات قلعه مینویسد:

"شرح قلعه فتح جالب توجه است. با توجه به اینکه بعد از ویرانی "زرنج" بنا گردیده از این نظر نمونه خوبی از سبک معماری سیستان در قرون وسطی میباشد. " درینجا تیت از سبک معماری سیستان در قرون وسطی ذکر کرده که این نتیجه گیری از نگاه سبک شناسی صائب به نظر می آید. ازینرو ممکن است معماران محلی در اعمار آن سبک عنعنوی پارینه را تکرار کرده باشند.

طوریکه در بالا ذکر یافت ملک محمود چهارمین شاه از سلسله «ملوک مهربانی» زرنج در اعمار و انکشاف قلعه تاریخی فتح نقش ارزنده داشته اند که اولاده شان تا اواخر قرن نهم و آغاز سده بیستم درین ناحیه رسوخی داشتند. در احیا الملوک آمده:

"ملک محمود به مولانا محمدی کنخدای سرابان رجوع کرد و شاه جلال خواهر زاده خود را نیز بر آن گماشت تا آن قلعه را ساختند. پنج جریب دیگر اضافه قلعه سپاهان کردند. آن نیز برزبر پشته ای است در کمال رفعت در میان بلوک سرابان که بهترین بلوکات سیستان است و آنجا بر حسب آب روان و خوشی بوستانها بهترین بلوکات سیستان است و آن چاه و پایاب دارد و خندق عمیقی بر دور او محیط است"

هرچند در سال ۷۳۱ هجری قمری میان ملک حسین غوری که در آنوقت والی هرات بود و ملک محمودکیانی اختلافاتی بروز داد، ولی با کاردانی و سیاست مدبرانه ملک محمود از برخورد و جنگ مسلحانه جلوگیری گردید و پس از مرگ او ملوک مهربانی، پسرش ملک تاج الدین و بردارانش شاه بهرام، شاه ابو الفتح، شاه ارسلان، ملک شاه و ملک عزالدین در قلعه فتح باقی ماندند. آنچه درین بخش قلعه درخور دقت میباشد سبک معماری این بنای با عظمت است که از شیوه معماری عصر تیموریان هرات در

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولی

سده پانزدهم بسیار متفاوت بوده و بیشتر به شیوه معماری دوره صفاریان یعنی قرن دهم میلادی شباهت دارد؛ و ازینرو باید مورد بررسی ژرفتر قرار گیرد.

شهرستان یا بخش مرکزی:

درین محوطه بر علاوه بقایای دکانها و خانه های نشیمن ساختمانهای ایست که از خشت پخته سرخ رنگ در عهد تیموریان هرات بنا یافته و مهمترین بنای آن بنام «گنبد سرخ» شهرت دارد. در ساختار عمارت بزرگ «گنبد سرخ» خصوصیات سبک معماری عصر تیموری یعنی سده های پانزدهم و شانزدهم بوضاحت مشهود است. زیرا بر مبنای طرح متناظر، رواق بندی های متشکل از دو قوس متقاطع، ایوانهای مسدود تزئینی و دالان های سرپوشیده متصل به دهلیزهای داخل و ورودگاه یا ایوان مرکزی با قاعده وسیع، پیش طاقی مستطیل شکل و رفیع، و گنبدی مرکزی استوار است. از مشاهده بقایای پارچه های شکسته کاشی که در اطراف بنا پراکنده است، چنین برمی آید که برخی از بخشهای دیوارهای آن به شیوه معماری سده پانزدهم هرات با پوششی از کاشی مزین بوده است. ممیزات این سبک معماری در سراسر این بنا که از خشت پخته سرخ رنگ اعمار گردیده مشخص میباشد. بطور مثال طرح متناظر آن که از قسمت ایوان مرکزی به دوال مساوی انقسام یافته و ساختمانهای مشابهی به عین اندازه به دوطرف ایوان ورودی اعمار گردیده از مشخصات عمارات ایندوره است. در داخل بنا نیز این قاعده مراعات گردیده ازینرو اتاقهای هر دو طرف شبیه هم اند و دهلیزهای هر دو در تالار مرکزی بهم وصل میشوند. در ساختمان این بنا کمتر از دستک های چوبی استفاده به عمل آمده و سقف اتاقها بطور عموم گنبدی شکل اند. از یادداشتهای تاریخی ایندوره برمی آید که گنبد سرخ مدرسه ای در داخل محوطه قلعه فتح بوده و در اطراف آن عمارات دیگر دولتی اعمار گردیده بود که اختصاص به امور اداری داشت.

به گفته ارویک بال نویسنده کتاب «آبادات تاریخی افغانستان» هنوز بقایای داشهای خشتیزی و یخدانهای ذخیره برف و آب آشامیدنی درین محوطه مشهود است. در اطراف عمارت گنبد سرخ، بقایای ساختمانهای دیگر دولتی هنوز بجا مانده و همچنان مناره هشت ضلعی به سبک مناره های غزنی نیز بچشم میخورد که از خشتهای گداخته ساخته شده و از فراز آن منظره اطراف حصار تا دور دستها هنوز دیده میشود. البته در زمان آبادانی قلعه فتح ارتفاع این مناره بیشتر از آنچه امروز بجا مانده بوده است. در بالای آن جایی برای نصب بیریق نیز بچشم میخورد. در داخل حویلی بقایای یک چاه بزرگ هنوز دیده میشود که از سنگ و خشت ساخته شده و به گفته مردم محل آب چاه توسط دلوهای بزرگی بقوت شتر بالا کشیده میشود. بنا بر یادداشتهای تاریخی اعیان الملوک (تاریخ سیستان تا عصر صفوی) درینبخش باغی هم بود که برزیبایی محوطه حصار داخلی می افزود. در ساحه تاریخی فتح کاوران سرا و مهمانسرای عظیمی نیز وجود داشت که نشانه ای از اطراف کاروانهای تجارتي در ولایت نیمروز و شهر تاریخی زرنج میباشد.

بخش ربض یا بیرون حصار:

در برون شهر در سراسری ایکه بد تدرج تا کرانه های رود هیلمند ممتد است، هنوز بقایای خانه های مسکونی و حمامی بچشم میخورد که گذشت زمان و آبخیزی های دریا آنرا کاملاً از بین نبرده و هنوز قابل ترمیم میباشد. نظر به تحقیق محترم اکادمیسین اعظم سیستانی بقایای حمام بزرگتری که از خشت پخته اعمار یافته در داخل محوطه قلعه فتح تا حال هویداست و در فاصله دورتری از دیوارهای بیرونی کشتزار ها، زمین های بیلاقی و باغهای پر ثمری وجود داشته که بر علاوه انهار کوچک تو سط نهر اصلی ایکه از سمت جنوب می آمد آبیاری میگردد؛ ولی امروز این مراعات حاصلخیز قدیم، خشک و لامزروع بچشم میخورد که نتیجه کم توجهی های نزدیک به یک قرن است.

نتیجه:

قلعه فتح که حکایت از شکوه سبک معماری اعصار پار دارد از خشت خام و گل بنا یافته و با وصف گذشت زمان و آسیب باد و باران هنوز بجا مانده، در حقیقت مظهر اقتدار قرون متمادی فرمانرویان افغانستان بر ساحه تاریخی سیستان و بلوچستان است که در جوار رود هیلمند شاهرگ حیاتی این ساحه باستانی اعمار یافته و در طول زمانه ها قلعه استوار و تسخیر نا پذیری بوده است. لیکن پس از اختلافات سرحدی میان دولت قاجاری فارس و افغانستان و مناقشه بالای آب هیلمند و تقسیمات اراضی متنازع فیه به حکمیت برتانیه به سرکردگی مک ماهون آهسته آهسته از اهمیت این بنای تاریخی کاسته شد، بخصوص پس از موافقت نامه سال ۱۹۳۳ به حکمیت فخرالدین التای بر ضعف اقتصادی این ساحه افزود گشت، و بازماندگان خانواده های قدیمی ایکه برای مدت های مدید در حراست و نگهداری آن کوشا بودند، بخاطر ضعف اقتصادی به جاهای دیگر کوچ کردند و قلعه فتح به ویرانه متروکی مبدل گشت. امروز در داخل قلعه فتح که روزگاری جولانگاه دلبران و سخنورانی چون فرخی سیستانی یکی از بزرگترین شعرای نظم پر بار دری بود، جزبه های گز که هر طرف روئیده و گله های شغال های وحشی کسی نیست تا داستان عروج و نزول این حصار شکوهمند تاریخی را به جهانیان بازگو کند. لیکن هنوز با وصف اینهمه اغماض ها برج ها و باروهای پرسیلابت دفاعی و کاخهای رهائشی داخل محوطه فتح گواهی بر اقتدار شکوه تمدن و اقتدار میهن ما در روزگاران پشین مینماید. ازینرو بجاست تا قلعه فتح در ولایت نیمروز، و قلعه های باستانی فریدون و کک کهزاد در ولایت فراه به پیشنهاد دولت افغانستان بحیث میراث های فرهنگی جهان تحت پوشش سازمان جهانی یونسکو قرار گیرد.

د پانو شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

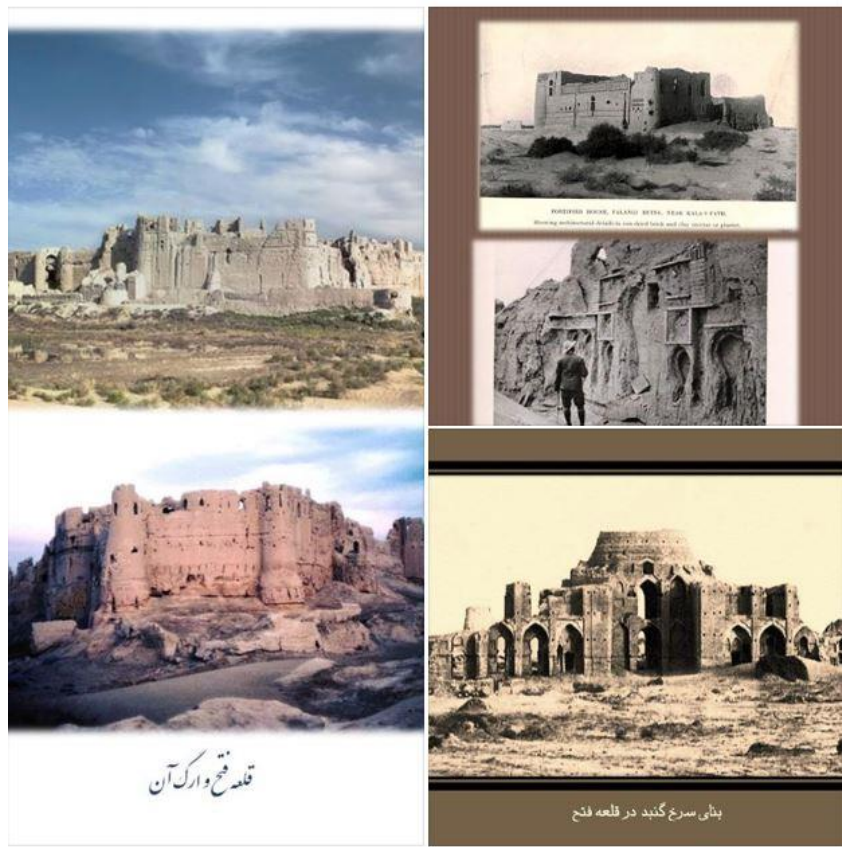
به امید اعتلای هرچه بیشتر فرهنگ بارور افغانستان
حامد نوید

منابع:

افغانستان در پنج قرن اخیر تألیف محمد صدیق فرهنگ صفحه ۲۵
رساله تحقیقی کاندید اکادمیسین سیستانی
احیاء الملوك در تاریخ سیستان، ص ۱۴۵
تاریخ ایران کمبریج، جلد پنجم از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، جی.آ. بویل، انتشارات امیرکبیر
همایون شاه عالمی "اوضاع جغرافی زرنج"، وبلاگ فرهنگی و تاریخی نیمروزیان، اگست ۲۰۰۹ زرنج سرزمین ماسه ها
و حماسه ها،
پورتال افغان جرمن آنلاین
حسن احمدی، جغرافیای تاریخی سیستان، ص ۱۸۱-۱۸۹

The Monuments of Afghanistan: History, Archaeology and Architecture, Author : Ball
Warwick

The Frontiers of Baluchistan by G. P. Tate, London ۱۹۰۹



یادداشتها:

خط سرحدی مکماهون میان افغانستان و ایران از دهانه نوالفقار در شمال آغاز و تا کوه ملک سیاه در جنوب بطول ۹۴۵ کیلومتر کشیده شده و دارای ۱۷۲ نشانه های سرحدی میباشد.
تاریخ منظوم سیستان از اعصار یار تا فرمانروایی ملک بهرام کیانی را در برمیگیرد و در دوره حکومت قاجاری فارس توسط صبوری، ناصح و ظهیر سروده شده .

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ